

It's old.	قدیمیه (کهنه است)
An old car	یه ماشین قدیمی
I walk less now.	حالا کمتر راه میرم
Would you like a coffee instead?	به جاش قهوه میل داری؟
I want some tea instead of coffee.	کمی چای میخوام به جای قهوه
Without my mother	بدون مادرم
I'm used to it.	بهش عادت دارم
<hr/>	
What's your plan for this weekend?	برنامهت واسه این آخر هفته چیه؟
We're going to Tehran this weekend.	آخر این هفته میریم تهران
We're going to visit our relatives.	خیال داریم از اقواممون دیدن کنیم
What are you doing next weekend?	آخر هفته آینده چکار میکنی؟
I'm going to see my mother.	خیال دارم مادرم رو ببینم
She lives in Shiraz now.	الان تو شیراز زندگی میکنه
With our relatives	با قوم و خویشامون
Who's that?	اون کیه؟
That's my relative.	اون قوم و خویشمه
That's one of our relatives.	اون یکی از قوم و خویشامونه
She's my cousin.	دختر خالمه
She used to live in Paris.	قبلاً ها تو پاریس زندگی میکرد
Is Paris close to here?	آیا پاریس به اینجا نزدیکه؟
It's not very far.	خیلی دور نیست
Can we go by bus?	آیا میتونیم با اتوبوس بریم؟
Yes, we can.	جواب مثبت کوتاه
We can't go this year.	امسال نمیتونیم بریم
But maybe next year	اما شاید سال آینده
Let's go to a coffee shop.	بیا بریم یه کافی شاپ
Which coffee shop?	کدوم کافی شاپ؟
The one in Westwood	اون یکی توی وستوود
There are a lot of Persian stores there.	یه عالمه مغازه های ایرانی اونجا هست
Where?	کجا؟
In Westwood	تو وستوود
I sometimes go there.	بعضی وقتا میرم اونجا
With whom?	با کی؟
With my friends	با دوستانم

I usually go there with my friends. We used to travel a lot.	معمولاً با دوستانم میرم اونجا قبلاً ها خیلی مسافرت میکردیم
Did you buy a car last week? Yes, I did.	آیا هفته گذشته ماشین خریدی؟ جواب مثبت کوتاه
But it's not new. It's old.	ولی نو نیست قدیمی
I bought an old car. This house is old.	یه ماشین قدیمی خریدم این خونه قدیمه
I used to walk a lot. But not anymore.	قبلاً ها یه عالمه راه میرفتم ولی دیگه نه
I walk less now.	حالا کمتر راه میرم
Let me see your car. It's not very old.	بذار ماشینتو ببینم خیلی قدیمی نیست
But it's cheaper than a new car. Is it older than my car? No, yours is older.	ولی از یه ماشین نو ارزونتره آیا از ماشین من قدیمی تره؟ نه، مال تو قدیمی تره
I don't like to travel alone. I don't like traveling alone.	دوست ندارم تنها مسافرت کنم
I'm going on vacation next week. We're planning to go to Iran. Iran is beautiful.	دارم هفته آینده میرم مرخصی برنامه داریم بریم ایران ایران قشنگه
Your children are going with you, aren't they? Of course	بچه هات باهات میرن ، مگه نه؟ البته
I'd like to go to Iran, too. I'd like to go to Iran, too.	منم دوست دارم برم ایران دوست دارم ایران هم برم
My husband likes Iran, too.	شوهرم هم ایران رو دوست داره
Our daughter doesn't like to travel. She doesn't like to travel.	دخترمون دوست نداره مسافرت کنه
She's at home now.	الان منزله

توجه" وقتی میخوایم همون جایی که هستیم بمونیم مثل (منزل ، شهر ، وطن) از کلمه Home استفاده میکنیم.

They're both staying home. With their friends	اونا هر دوتاشون منزل میمونند با دوستاشون
--	---

مکالمه

سلام سحر.

A: Hi, Sahar.

سلام علی. پسر خالت کی میاد لندن؟

B: Hi, Ali. When is your cousin coming to London?

آخر این هفته داره میاد.

A: He's coming this weekend.

آیا داره با خانوادش میاد؟

B: Is he coming with his family?

نه، فقط با خانمش. بچه هاشون خونه میمونن.

A: No, just his wife. Their children are staying home.

آها فهمیدم. آیا اونا در نزدیکی اینجا زندگی میکنن؟

B: Oh, I see. Do they live close to here?

آره، اونا خیلی نزدیک زندگی میکنن.

A: Yes, they live very close.

آیا مادرت هم داره واسه دیدار میاد؟

B: Is your mother coming to visit, too?

آره، ولی اون خیال داره با اقواممون بمونه. ما اقوام نزدیکی اینجا داریم.

A: Yes, but she's going to stay with our relatives. We have close relatives here.

دلت میخواد همین الان کمی قهوه صرف کنی؟

B: Would you like to have some coffee right now?

الان نه، شاید دفعه بعد.

A: Not now, maybe next time.

اوکی. بعداً میبینمت.

B: Okay. See you later.

Tehran's a beautiful city. But Tehran isn't very old.	تهران شهر قشنگیه ولی تهران خیلی قدیمی نیست
A cup of tea with sugar cubes, please I'm sorry we only have sugar. We don't have any sugar cubes.	یه فنجان چای با قند لطفاً متاسفم، ما فقط شکر داریم قند نداریم
Would you like coffee instead? Yes, I would.	در عوض قهوه میل داری؟ (به جاش) جواب مثبت کوتاه
You speak English better than me.	تو بهتر از من انگلیسی صحبت میکنی
Better than Less than	بهتر از کمتر از
I drink coffee less than tea. I used to drink more coffee.	من قهوه کمتر از چای میخورم قبلاً ها بیشتر قهوه میخوردم
But now I drink tea instead. But now I drink tea instead.	ولی حالا به جاش چای میخورم ولی حالا به جاش جای میخورم
Do you have any sugar cubes? No, but we have sugar instead.	قند دارید؟ نه، ولی به جاش شکر داریم
Then give me a cup of coffee. With milk and sugar	پس یه فنجان قهوه بهم بده با شیر و شکر
This milk is old. Do you still want your coffee?	این شیر مانده است (قدیمیه) هنوزم قهوت رو میخوای؟
Yes, I do. But without milk	جواب مثبت کوتاه ولی بدون شیر
I'm going to Tehran. Without my mother	دارم میرم تهران بدون مادرم
My mother used to travel a lot. She used to travel a lot.	مادرم قبلاً ها خیلی مسافرت میرفت
But she's too old now. She travels less now.	ولی حالا زیادی مُسنه حالا کمتر مسافرت میره
She walks a lot instead.	به جاش زیاد راه میره
Walking is good for her.	راه رفتن خوبه واسش

And she's used to it. She's used to it.	و بهش عادت داره بهش عادت داره
I used to travel a lot with her. But now I travel without her. But now I travel without her.	قبلاً ها خیلی باهاش مسافرت میرفتم اما حالا بدون اون مسافرت میرم ولی حالا بدون اون مسافرت میرم
She's used to staying at home. She's not used to traveling. She's used to living alone.	عادت داره در منزل بمونه عادت نداره مسافرت بره عادت داره تنها زندگی کنه
I used to buy old cars. But now	من قبلاً ها ماشین های قدیمی میخریدم ولی حالا
I want to buy a new car. Instead of an old car	میخوام یه ماشین جدید بخرم به جای یه ماشین قدیمی
Let's go to the movies tonight. I'd rather go to a coffee shop. There's a coffee shop close to here.	بیا امشب بریم سینما من ترجیح میدم برم کافی شاپ یه کافی شاپ نزدیک به اینجا هست
The coffee shop we saw last time? Yes	کافی شاپی که دفعه قبل دیدیم؟ آره
Would you like to have some tea? No, I want to have coffee instead.	میل داری یه کم چای صرف کنی؟ نه، به جاش میخوام قهوه صرف کنم
I want to drink coffee. Instead of tea I want to drink coffee instead of tea.	میخوام قهوه بخورم به جای چای میخوام به جای چای قهوه بخورم
But their milk's usually old. But their milk is usually old.	ولی شیرشون معمولاً مونده ست
And their coffee is not hot enough. And their coffee isn't hot enough.	و قهوه شون به اندازه کافی داغ نیست
I'm used to drinking hot tea. We can have some milk instead.	من عادت دارم چای داغ بخورم میتونیم یه کم شیر صرف کنیم به جاش
Okay. let's go to the coffee shop. It's very close to our house.	اوکی، بیا بریم کافش شاپ به خونمون خیلی نزدیکه
All right, but without my mother. She's used to staying at home.	باشه، ولی بدون مادرم اون عادت داره در منزل بمونه

We're going to France next weekend.	ما داریم آخر هفته آینده میریم فرانسه
I used to live in France.	من قبلاً ها تو فرانسه زندگی میکردم
I have close relatives there.	اونجا اقوام نزدیک دارم
When did you see them last time?	آخرین بار کی دیدیشون؟
I saw them last year.	سال گذشته دیدمشون
My mother lives there, too.	مادرم هم اونجا زندگی میکنه
How much is a letter to France?	یه نامه به فرانسه چنده؟
It's very cheap.	خیلی ارزونه

Instead
Without
Used
I'm used to eat.
Relatives
Close relatives

I'm not used to eating Italian food.	من عادت ندارم غذای ایتالیایی بخورم
What are you used to eating?	عادت داری چی بخوری؟
I'm used to eating Persian food.	عادت دارم غذای ایرانی بخورم